

دانشگاه معارف الهی (شرح زیارت آل یاسین)

استاد رثایی

مقدمه

محتوای زیارت آل یاسین چنان که خواننده‌ی گرامی می‌داند، از معارف فوق‌العاده بلندی برخوردار است. تأکید امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این زیارت بر این است که هر وقت خواستید به وسیله‌ی ما به سوی خدا توجه کنید، این زیارت را بخوانید. لذا آل یاسین راهکار توجه و پیوند و انس با وجود ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام در هر فرازی از این زیارت، قلب زائر را جهت می‌دهند که به کجا نظر کند و با چه معارفی به سر برد. زائر از طریق این زیارت به حقیقت معنوی امام علیه السلام نظر کرده و آن حضرت را با صفات مخصوص خودشان خطاب می‌کند. در ادامه‌ی شرح این زیارت به این فراز رسیدیم:

«السلامُ علیکَ ایها المَقْدَمُ المأمولُ»

سلام بر تو (آن که از سوی خداوند) برتری یافته و مورد امید و آرزو (قرار گرفته است).

«مقدم» در لغت به معنای جلو بودن و برتری و سبقت است. این معنا از چند جهت بر آن حضرت منطبق می‌شود.

الف) نور آن بزرگوار در میان انوار چهارده معصوم علیهم السلام ویژگی‌های خاصی دارد: یکی این که همچون ستاره، درخشان بوده و هنگام ظهور در عالم امکان، تمام‌تر و کامل‌تر از سایر معصومین علیهم السلام است؛ به این معنا که غلبه و پیروزی کامل دین و شوکت و عظمت اهل ایمان به دست او ایجاد می‌گردد.

دیگر آن که نور آن جناب به نشانه‌ی شرافت و رفعت و بلندی مقام و منزلت، در وسط انوار واقع شده که نشانگر این است که کمالات و علوم ائمه‌ی معصومین و پیغمبران پیشین علیهم السلام، همه به آن حضرت منتهی می‌شود (مکیال المکارم ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۲).

ب) برتری منزلت و مقامی است که از سوی خداوند برای آن حضرت مقرر شده است؛ همانند حضرات معصومین علیهم السلام که در عالی‌ترین مراتب و بلندترین مقامات معنوی و ربّانی قرار دارند. خداوند به مقتضای حکمت بالغه‌ی خود برترین درجه و منزلت را به ایشان عنایت فرموده است.

ج) از جهت پیشوایی و رهبری خلق، چنان که در دعای روز عرفه از امام سجاد علیه السلام چنین آمده: «خداوندا! تو در هر دورانی دین خود را به وسیله‌ی امامی پشتیبانی نموده‌ای که او را نشانه‌ای برای بندگانت به پا داشته‌ای و بر قلّه‌ی نورافشانی در شهرهایت قرار داده‌ای. پس از آن که رشته‌ی «ولایت» او را به رشته‌ی خویش پیوستی، او را وسیله‌ی خشنودی خود ساختی و اطاعت او را واجب نمودی. نسبت به نافرمانی‌اش هشدار دادی و دستور فرمودی که فرمان‌های

او را به کار بندند و از آنچه نهی کند باز ایستند. هیچ کس از او پیشی نگیرد و احدی از او باز نماند» (صحیفه سجاده، دعای چهل و هفتم).

در صلوات روزهای ماه شعبان نیز از امام سجاده علیه السلام روایت شده: «الْمُقَدَّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمَتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ»؛ هر که بر آنان (آل محمد علیهم السلام) پیشی گیرد از دین خارج شده (و به گمراهی افتاده) است و آن که از ایشان باز بماند، از بین رفته (و نابود شده) است و هر آن که همراه آنان (پایدار) بماند به حق رسیده است» (اقبال الاعمال، ص ۶۸۷).

در زیارت جامعه‌ی کبیره نیز عرضه می‌داریم: «وَمُقَدَّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي»؛ و شما را پیشاپیش خواسته‌ها و نیازمندی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایم در همه‌ی احوال و کارهایم، مقدم می‌دارم. «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ»

«أَمَلٌ» در لغت، دل‌بستگی و انتظار رویداد خوشی است که در آینده روی می‌دهد. این مفهوم از مفاهیم مهم اسلامی است که در هر یک از دو عرصه‌ی مثبت و منفی دارای حکم و عنوان خاصی می‌باشد. در حالی که آرزو یا آرزوی دور و دراز در آیات و احادیث مورد نکوهش قرار گرفته و دل بستن و امید داشتن به غیر خداوند مایه‌ی واماندگی و ناامیدی دانسته شده است. امیدوار بودن به رحمت الهی و کارهای ماندگار شایسته، از جمله آرزوی دیدار امام عصر علیه السلام، از نشانه‌های ایمان و باورهای اساسی مسلمانان و بهترین عبادت به شمار آمده است. خداوند می‌فرماید: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا»؛ و ماندگاری‌های شایسته، نزد پروردگارت پاداش بهتری دارند و امیدبخش‌ترند» (کهف/۴۶). این آیه نمونه‌ی مثبت اَمَل می‌باشد. اما در کلام علی علیه السلام مفهوم و نمونه‌ی منفی اَمَل و آرزو چنین بیان می‌شود: «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ طُولَ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعَ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»؛ من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوای نفس و درازی آرزو که پیروی از هوا و هوس (آدمی را) از حق باز می‌دارد و دور و دراز بودن آرزو، آخرت را از یاد می‌برد» (الکافی، ج ۲، ص ۳۳۵).

پس از نقل دو نمونه‌ی مثبت و منفی از مفهوم اَمَل، به شرح دو لقب مؤمل و مأمول از القاب حضرت بقیه الله علیه السلام می‌پردازیم. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ»؛ کجاست آن وجود مقدس که برای احیای دین و زنده نمودن کتاب خدا و حدود آن، آرزو شده است؟

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی از اموری که بعد از خودش تا قیام حضرت حجت علیه السلام واقع می‌شود خبر داد. امام حسین علیه السلام فرمود: «یا امیرالمؤمنین، چه زمانی خداوند زمین را از ستمگران پاک می‌کند؟ حضرت پس از نقل علایمی فرمودند: «ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْمَأْمُولُ وَ الْإِمَامُ الْمَجْهُولُ لَهُ الشَّرْفُ وَ الْفَضْلُ...»؛ آن‌گاه آن به‌پاخاسته‌ی آرزوشده قیام می‌کند؛ آن امامی که شرف و فضیلتش ناشناخته خواهد بود. او از فرزندان توست ای حسین! هیچ پسری همتای او نیست. میان دو رکن (حجرالاسود و یمانی) ظاهر می‌شود و در حالی که دو جامه‌ی کهنه به تن دارد، بر جن و انس

غلبه می کند...، خوشا به حال آنان که زمان او را درک کنند و به روزگار او برسند و شاهد ایامش باشند» (غیبت نعمانی، ص ۲۷۵).

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ»؛ سلام بر تو آقایی که در صدر همه‌ی آرزوها هستی! تحقق آرزوها، بدون آرزوی فرج امری مجازی است. آری، مأمول حقیقی اوست، مؤمل واقعی اوست، امید و آرزوی راستین فقط اوست. اگر کسی متعلق آرزویش فقط آن وجود مقدس بود، آرزویی به جا و درست داشته است و الا بقیه‌ی آمال و آرزوها پوچ است؛ پوچ.

دنیاست چون حباب، نه بر آب، بر سراب
خوابی که هست جمله پریشان و بی حساب
آن هم به چشم مست، نه بیدار بل به خواب

اگر به تمام آرزوهای خود رسیدم ولی به این آرزو نرسیدم، به هیچ چیز نرسیده‌ام. ولی اگر به این آرزویم نایل آمدم، بر فرض که به هیچ آرزوی دیگرم نرسیده باشم، در واقع به تمام آمال خویش رسیده‌ام و همه‌ی آرزوهایم جامه عمل به خود پوشیده است. زیرا که هیچ با او، همه چیز است و همه چیز بی او، هیچ است. عدد صحیح اوست که به همه‌ی صفرها ارزش می‌بخشد و چون در کنار آنها نباشد هیچ قیمتی ندارند. با آرزوی او، همه‌ی آرزوها باارزش می‌شود و بدون او، تمامی آمال خالی از قیمت.

باید دل به او بست، بدو امید داشت، آرزومند او بود و قلاده‌ی امل او را به گردن دل آویخت و در انتظار دیدار او نشست.

چشم انتظار دیدن رویت منم منم
چون اولین امید دل و آخرین تویی

منابع:

- قرآن کریم
- صحیفه سجاده
- ۱. سید بن طاووس؛ اقبال الاعمال.
- ۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی، ج ۲.
- ۳. موسوی اصفهانی، محمد تقی؛ مکمال المکارم، ج ۱.
- ۴. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی؛ الغیبة.